

## کارونقش آن در آفرینش شعر

بخش پنجم

ایران، افغانستان و جنبش های کارگری:

جنبش های کارگری در ایران به اندکی پیش از مشروطیت میرسد. گرچه، خواسته ها و مطالبات کارگری در ایران پیش از مشروطیت هم سابقه دارد، اما خصوصیات و ویژگی های آن از نظر شکل، شیوه فعالیت، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این مبارزات در مقایسه با زمان بعد فرق کلی دارد. گنجینه ها و دیدگاه های سوسیالیستی و کارگری برای اولین بار در تاریخ ایران توسط نویسندگان ایرانی که در سال های 1259 تا 1275 خورشیدی (1880-1896) میلادی در خارج از مرزهای ایران برای نشریه های بیرون مرزی قلم میزدند، معرفی شدند. پس از سرنگونی حکومت مترقی و اصلاح طلب مرزا حسین خان مشیرالدوله در سراسر کشور، بار دیگر در سال 1259 موج سرکوب و سانسور حاکم گردید و در دوره 16 ساله استبداد ناصری تعدادی از اصلاح طلبان و آزادیخواهان که به ناچار ایران را ترک کرده بودند، در خارج از مرزهای "ایران استبدادزده" پدیده نوپای مطبوعات ضد استبدادی ناصری را در تبعید پایه گذاری کردند. در این دوره روشنفکران و روزنامه نگاران ایرانی در خارج از کشور با آسودگی و دور از دخالت های سرکوب گرانه "اداره انطباعات مبارکه" و سانسور چیان، "قلم را در جهت منافع ملی بکار گرفتند" و توانستند بذر اندیشه های سوسیال - دموکراسی و سوسیالیستی را بر عرصه ادبیات سیاسی ایران بپاشند و مردم ایران را با مفاهیم اندیشه های مترقی آشنا سازند. روزنامه اختر یکی از نشریه های معتبر آن زمان بود که توسط روزنامه نگاران ایرانی در خارج از کشور انتشار می یافت. این نشریه خدمات ارزنده در معرفی و ترویج سوسیالیسم و وقایع مربوط به قیام تاریخی کمون پاریس و عمر هفتاد و دو روزه آن انجام داد. "روزنامه اختر" به مدیریت محمد طاهر تبریزی در استانبول انتشار می یافت که باتشویق نویسندگانی

چون مرز انجف علیخان خوبی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، مرز امهدی خان تبریزی (ناشر روزنامه ی "حکمت" در قاهره) و مرز امحمد خان کاشانی (ناشر روزنامه "ثریا" و "پرورش" در قاهره) توانست نشریه ی "اختر" را به یکی از مهمترین منابع ترویج و گسترش اندیشه های آزادیخواهی، برابری طلبی و سوسیالیستی تبدیل سازد. برخی از نویسندگان و روزنامه نگاران "اختر" همچون مرزا آقاخان کرمانی به طور مستقیم از اندیشه های آموزگاران انقلابی و دانشمندان علوم اجتماعی نیز متأثر بوده و این امر در نوشته های او که بطور مستمر در روزنامه "اختر" چاپ میشد، متبلور است. مرزا آقاخان کرمانی که با پیگیری مداوم علیه استبداد ناصری قلم میزد، به مرام و جهان بینی سوسیالیزم، انار شیزم و نهیلیزم استناد و آن ها را به خاطر "مساوات" طلبی تقدیس میکرد او مینویسد که: "مسأله مقدسه مساوات" مد نظر سوسیالیزم است و سوسیالیست ها "اولین وظیفه انسانیت را همین میدانند". مرزا آقاخان در نوشته هایش تأکید میکند که سوسیالیست ها خواهان "مساوات در ثروت هستند" و معتقداند که همه انسان ها باید "در امتیازات ملی" مساوی باشند و مالکیت باید لغو گردد، زیرا به نظر او "زمین تصاحب بر دار نیست، باید بین مردم مشاع باشد". او در نوشته های خویش تأکید میکند که املاک و اراضی را "جمعی بی استحقاق ربوده اند" و از "دزدی و تقلب صاحب دولت و ثروت شده اند"، در حالیکه کارگران معدن "در سوراخ های مثل گور همچون موش کور، زحمت میکشند." به عقیده مرزا آقاخان کرمانی، سوسیالیست ها، انارشیست ها و نهیلیست ها "با انگیزه ای وصف ناپذیر و پر شور در برانداختن ریشه ای فقر و فلاکتی هستند که به اثر شناعت و ستمگری بی انصافان عالم پیدا شده است." اینان جملگی میکوشند تا "مساوات و مواسات را در گیتی اجرا نمایند" 44. باید توجه کرد که سخنان و نوشته های مرزا آقاخان کرمانی تحت تأثیر جو حاکم در اواخر قرن نوزدهم میلادی کشورهای اروپای اتلانتیک و روسیه بود. جوی که جنبش های انارشیستی و نهیلیستی از نیروهای قابل ملاحظه ای بر خوردار بودند و هنوز جایگاه خود را در آن جوامع به اندیشه های منسجم سوسیالیستی بویژه مارکسیزم که پایه فلسفی و اجتماعی آن استوار بود، نداده بود. تا آنجا که پژوهش های مؤرخین تاریخ سوسیال - دموکراسی و سوسیالیزم در ایران نشان میدهد، قدیمی ترین سند مشخص در باره مقوله سوسیالیزم مربوط به مقاله ای است که در روزنامه "ایران" با مدیریت و سردبیری محمد حسن خان صنیع الدوله، چاپ تهران شماره ی 412 به تاریخ 18 اسفند 1258 خورشیدی (8 مارس 1880 میلادی) به نقل از روزنامه "

اختر "چاپ استانبول انتشار یافته است . چون این سند از نظر تاریخ انتشار اندیشه های سوسیالیستی در ایران اهمیتی خاصی دارد، به چند نکته در باره آغاز رواج افکار سوسیالیستی در کشور ایران می پردازیم . باید خاطر نشان ساخت که این مقاله مستند تحت تأثیر بزرگ ترین واقعه ی آن زمان یعنی قیام کمون پاریس بزرگترین جنبش کار گری قرن نوزدهم ، در نهمین سالگرد آن برشته تحریر درآمده است. این مقاله که بخاطر رعایت مسائل امنیتی دوران استبدادناصری بدون نام مؤلف درج گردیده است . اما بررسی سبک نگارش ، استفاده از واژه هاوبرخورد نظری نویسنده به وقایع مربوط به قیام کمون پاریس وتوجه او به سرانجام نا فرجام قیام وجهان بینی فعالین ورهبران این قیام نشان میدهد که این مقاله توسط میرزا آقاخان نگاشته شده است. تعمق در اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی وبررسی جهان بینی او بویژه در امر برابری طلبی ومقوله های چون "مساوات ومواسات" وترویج آن در ایران گمان مارا در اینکه نویسنده مقاله مستند در روزنامه "اختر" همان میرزا آقاخان کرمانی است به یقین تبدیل میسازد<sup>45</sup>. سخن از سوسیالیزم ومفهوم آن در کشورهای خاور میانه از جمله کشور ایران پس از نیمه اول قرن نوزدهم رواج داشته ودر آثار نویسندگان ومتفکران آن دوران انعکاس یافته است؛ بطور مثال: بررسی نوشته های حاج ملاهادی سبزواری<sup>46</sup> ومرزا ابوالحسن جلوه نشان میدهد که نمونه های شبیه به اندیشه سوسیالیزم تخیلی در جهان بینی ایده آلیستی آنان وجود داشته است . اعتقاد سبزواری درباره مالکیت خصوصی که آنرا " امری اعتباری واضافی میدانست " در نیمه اول قرن نوزدهم در میان نخبگان جامعه شهرت داشت . تمایل هواخواهانه ی میرزا ابوالحسن جلوه به جنبش بابیه در دهه های 1850 و 1860 میلادی که در بعضی عرصه ها دارای اندیشه اشتراکی وبرابری طلب بود ، نیز ثبت شده است . ابوالحسن جلوه در سالهای 1269 تا 1270 خورشیدی (1890-1891 میلادی) از جنبش " تحریم تنباکو" که در واقع نخستین خیزش ضد استعماری در ایران بود ، حمایت جدی کرد واندیشه های برابری طلبانه وروش سیاسی خودرا ترویج داد، اما این نوع اندیشه های پراکنده وایده آلیستی نسبت به بافت واوضاع اقتصادی واجتماعی ایران آن زمان که استبداد پادشاهی حاکمیت مطلق داشت به عنوان یک جریان فکری ، روند رشد طبیعی خودرا طی کند وبه زایش وگسترش یک جهان بینی منسجم اجتماعی وسیاسی تبدیل گردد، این امر در مورد نویسندگان وروزنامه نگارهای لائیک وغیر مذهبی که در آن زمان برای نشریه های "اختر" ، "ثریا" ، "حکمت" و"پرورش" در خارج از مرزهای ایران قلم میزدند، نیز صدق

می‌کند. عبدالصمد کامبخش نفوذ افکار سوسیال دموکراسی در ایران و چگونگی سازمانهای اولیه آنها را مصادف با آغاز سده بیست میلادی و نخستین پایه گذاران آن را ایرانیانی میدانند که در ماوراءالنهر قفقاز در کنار سوسیال دموکراتهای روس مبارزه میکردند و تجربه می‌اندوختند. اینها افرادی بودند که برای کارهای فصلی و موسمی یا نسبتاً دراز مدت به ماوراء قفقاز و آسیای میانه و بیش از همه برای کار در صنایع نفت به باکو رفت و آمد میکردند. این عناصر همان کشاورزان و کسبه کاران شهری بودند که در نتیجه رقابت خارجی، برای تلاش معاش آواره شده و بخش اعظم آنها به مراکز صنعتی روسیه تزاری و خاصه معادن نفت باکو روی آورده بودند. 47. این کارگران که در آستانه انقلاب مشروطیت، در نتیجه اعتصاب‌های عظیم در بنگاه‌های صنعتی نفت بیکار شده و از قفقاز به ایران باز میگشتند، از سوی فعالین اندیشه‌های سوسیال دموکراسی به ترویج اندیشه‌های خود میان کارگران ایران تشویق می‌شده‌اند: ... پس از آمدن به میهن تان مردم برهنه، گرسنه و ستمکش نظیر خودتان را گردآورید و به آنها مژده دهید که طبقه کارگر روسیه بپا خاسته است. به همشهری‌های کارگر بگوئید... که اگر راه رفقای اینجارا پیش گیرند و بخواهند از نوع استبداد رهائی یابند، اگر خواسته باشند حقوق انسانی خود را به کف آورند و نفسی به آزاد بکشند، آنگاه رفقای روسیه پرچم خود را به یادگار به آنها خواهند سپرد... 48. اما در مجموع گویا آنچه آنچنان که "آدمیت" نوشته تا پیش از انقلاب 1905 روسیه، آگاهی‌های مقطعی و جسته‌گریخته‌ای در این مورد، دلالت دارند بر اینکه اندیشه دموکراسی اجتماعی از اروپا و روسیه هر دو به ایران راه یافت. 49. با اینکه به سهم کارگران در انقلاب مشروطه اشاره نشده است و "م. پاولویچ" در 1926 تصریح کرده است که: "در ایران در { آغاز جنبش مشروطه } تعداد کارگر بمنزله صفر است" 50. اما مقولات مربوط به کار و حقوق کارگر در رسالات و نشریات سالهای نزدیک به جنبش مشروطه خواهی کما بیش دیده میشود در محتوای همه اندیشه‌های که از مرزها وارد ایران میشده است، مستتر است، چراکه پایه تفکر دموکراسی اجتماعی نشأت گرفته از اصالت جمع، تأمین عدالت اجتماعی، از میان برداشتن نابرابری‌های اجتماعی، تضمین مساوات اقتصادی و بالاخره اجتماعی ساختن قدرت اقتصادی و سیاسی 51 بود که ساختار ایدئولوژی مشروطیت و اصل و اساس آرمان ملی را تشکیل میداد و بنابر این بطور منطقی میتوان گفت که مسائل کارگری جزوی از انبوه مسائل و خواست‌های اجتماعی بود که از سوی فعالین نهضت‌های مربوطه به حقوق انسانی طلب میشد و نهضت مشروطه در ایران هم از آنها متأثر

بود 52. برای اینکه با خواسته‌های اجتماعی بطور اعم و مطالبات کار گری بطور اخص وانعکاس طبیعی آن‌ها در ادبیات کار گری آشنا شویم ، ضرورت دارد گزارش کوتاهی را از بازتاب‌های تلاش‌های که در سطح جهانی در زمینه مسائل و روابط کار انجام می‌گرفت ، به خاطر آوریم. در قرن نهم ملایم‌ترین قضاوت‌هایی که پیرامون روابط کار ، کارگر و کار فرما ، در گزارش‌های رسمی میشد ، این بود که قانون و مقرراتی برای ایجاد روابط انسانی و بمنظور بهبود رفاه اجتماعی ، برای کار وجود نداشت . همه چیز بر اساس و میل اراده کار فرمایان انجام می‌گشت . شرایطی که موجب تقویت نیروی انسانی و بهبود زندگی می‌گشت تا لامحاله از اشاعه فقر و تنگدستی جلوگیری نماید ، در دست نبود ، روابط کار فرما و کار گر بر مبنای "خودی - کردی" و زور و فشار قرار داشت. کار گران در آنموقع در زمره تهیدستان و مستمندان محسوب میشدند و به هیچوجه اصول اخلاق ، انصاف و عدالت در باره آنها رعایت نمی‌گشت به حق شان تجاوز میشد و حقوق برای آنها قایل نبودند. مروت و حق شناسی در کار نبود و همه چیز بر اساس خودخواهی و خود رای انجام می‌گرفت" 53. شرح بالا مقدمه ای است برای معرفی سازمان بین المللی کار ، در یک گزارش رسمی . اندیشه‌های کار گری و دفاع از منافع طبقه کارگر بطور منسجم توسط رهبران بزرگ پرولتاریا جهان : مارکس ، انگلس ، لینن ، استالین و مائوتسه دون مدون و در عمل پیاده گردید. در سال 1325 "علی اصغر حکمت" در نخستین کنگره نویسندگان ایران ، در پنجمین قسمت از تقسیمات موضوعی شعر معاصر به "اشعار سوسیالیستی" یا " ادبیات کارگری" اشاره دارد و به نظر او این زمینه "...باب خاص است در ادبیات این عصر و گویندگان فارسی ، یابه صرف قریحه طبیعی و یا با استفاده از منابع بین المللی در این باب سخن گفته اند" 54. وی در بیان کمی این گونه اشعار ، اضافه میکند که : "...البته این گونه اشعار در ابتدای این نیم قرن {تا سال 1325 هجری} کمتر و در این اواخر ، بیشتر شعرای جوان در این رشته سخن سروده اند" 55. علی اصغر حکمت در معرفی پیشگامان این نمونه شعر ، که آثار شان تا تاریخ مذکور ثبت شده ، از "...فرخی یزدی ، لاهوتی کرمانشاهی ، ایرج میرزا ، رعدی ، امینی ، پروین گنا بادی ، فضل الله گرگانی ، افراشته گیلانی ، علی اشرف دبیر ، صدارت یزدی ، مایل تویسرگانی ، میرزاده عشقی ، کاظم رجوی و دیگران ... " نام می برد 56. یحیی آرین پور ، ابوالقاسم لاهوتی را " نخستن شاعر فارسی زبان طبقه کارگر " معرفی کرده است 57. دکتر شفیع کدکنی در گزارش چگونگی آغاز این پدیده ، در شعر فارسی معاصر می نویسد: "از نخستین سالهای

ظهور فکر مشروطه خواهی ، ادبیات کارگری در قلمرو شعر ایران ظهور یافت . در روزنامه های آن دوره ، جای جای ، مزدک گرائی و ادبیات بلشویکی را میتوان به چشم دید ، از عشقی ، که در سال 1335 هجری - قمری میگوید:

بر نیکی راه مزدک آگاه ، منم  
وانکس که بود رهبر این راه منم  
پیغمبر دین و آدمیت ، اول  
حقا که بود مزدک و آنگاه ، منم

و از عارف که در سال 1337 هجری - قمری میگوید:

عارف اگر کهنه شد ترانه مزدک  
نغمه ای از نو علاوه کن توبه طنبور

اما ادبیات کارگری با مزاج حکومت استبدادی جور نمی آمد و بنابراین "نظام رضاخانی ، جلوانرا گرفت... این نوع ادبیات هیچگاه در ایران رشد نکرد و مهمترین مانع رشد آن مزاحمت های نظام رضاخانی بود که جلو رشد زمینه های کارگری را می گرفت و در ادبیات آنها هیچگاه ، مسایل کارگری ، مطرح نشد" 58 بعد از شهریور 1320 و فروپاشی حکومت استبدادی (نوع رضاخانی) همپای رشد دم افزون نهضت ها و نهادهای گوناگون سیاسی ، جنبش کارگری نیز به تشکلهای تدریجی ، اما سریع دست یافت . در متن این تشکل ها ، مسائل کارگری ، همراه با خواستهای روز افزون کارگران و دهقانان ، موضوع مهم برنامه های گروه های سیاسی و شعارهای روز شد و چون هنر و ادبیات و خاصه شعر ، به عنوان سلاح مهم مبارزه (از پیدایش اندیشه مشروطه خواهی) همچنان اهمیت خود را حفظ کرده بود . لذا ادبیات کارگری در فاصله شهریور 1320 تا کودتای 28 مرداد 1332 تحرک و پویایی ویژه ای یافت . در این دوران پرتیش ، شعر از میان فرم های هنری ، همچنان پیشتاز بود و یکی از مؤثرترین و پر استفاده ترین قالب ها ، برای بیان مسائل و خواسته ها - خاصه نیازهای اساسی "اهل کار به شمار میرفت . تفاوت عمده ادبیات کارگری در این دوره ، بادیوره مشروطیت و پیش از استبداد رضاخانی ، در این است که در دوره بعدی ، مسائل کارگری حاد تر و مشخص تر و حرکتهای مربوط به آن سازمان یافته تر بود و پشتوانه با اصطلاح تئوریک و سندیکالیزم داشت و انعکاس آن در ادبیات بویژه در شعر - از این حالت متأثر بود . نکته قابل اهمیت اینست که جنبه های هنری آثار شاعران در شعر کار - در قلمرو ادبیات کارگری معاصر - تحت الشعاع جنبه

های سیاسی و اجتماعی آن قرار داشت ، چراکه ظاهراً وقت تنگ بود وگفتنی زیاد .گویا سلطه پر تأکیدوبی امان استراتژی ها واهداف مکتبی از یکسو و عمرهای کوتاه دوره های آزادی قلم و بیان وتلاشهای سیاسی ومکتبی از سوی دیگر فرصت چندانی برای تجربه های با دوام ومستمر هنری دراین گستره باقی نمیگذارده است.شعر سیاسی - اجتماعی ادبیات کارگری معاصر ایران سه خصوصیت عمده دارد.

- شعر طنز وساده صابر ودنباله روان او، که به شعر فولکلوریک وعامیانه نزدیک است.

- شعر جدی شاعران کلاسیک

- شعر نوپردازان

شهرت ادبی - سیاسی میرزا علی اکبر صابر(تولد 1279مرگ 1329هجری)با انتشار روزنامه فکاهی ملانصرالدین در آذربایجان در سال 1905- 1906 میلادی آغاز شد ."روزنامه ملانصرالدین یک ارگان دموکرات انقلابی بود که جمعی از روشنفکران وترقی خواهان واریاب ادب وفرهنگ را پیرامون خود گرد آورده بود 59.این روزنامه به مبارزات ملل شرقی اسلامی وازجمله ایران توجه داشت ونویسندگانش با عادات وآداب ایرانیان کاملاً آشنا بودندواز همین روپا بیپای مردم ایران برای کسب مشروطه هم آهنگی داشت وصابر یکی از نویسندگان این روزنامه بود.در اینجا بطورنمونه قسمتی از اشعار صابر را نقل مینمائیم:

...دادست به مسکین وتوانگر، که مساوات ؟

دارند هم از شکل وهم از اصل منافات

بی پول چگونه بکنند فضل خود اثبات

این ممتنع آیا بودت قابل امکان

انسان شدن،احمق ، مشمار اینقدر آسان

چکش زن و ز اندازه منه پای فراتر

گفتند مساواتی در حد مقرر

آخرچه بابت توشبیهی به توانگر

روزانه یک عباسی است ، مزد تو نه ملیان

انسان شدن ، احمق ، مشمار اینقدر آسان

گزیده از اشعار اشرف الدین بن حسینی ، نقل از (باغ بهشت)

عید شما مبارک ای زار عین مسکین

از نقطه النگه تا دهنه ی ورامین  
دهقانان گیلان ، زحمتکشان قزوین  
عید شما مبارک ای کاسبان بازار  
هرچند جمله هستیم بر درد و غم گرفتار  
از یکطرف مخارج از یکطرف طلبکار  
الطاقم مزیدا ، ایامکم سعیدا  
(از شعر عید مبارک)

رمضان آمد و در سفره زارع نان نیست  
در تن دختر او پیرهن و تنبان نیست  
جگری نیست که خونین زغم دهقان نیست  
علت آنست که انصاف در این ویران نیست  
روز و شب زارع بیچاره بصد رنج و عذاب  
بهر یک لقمه نان غرقه میان گل و آب  
آخر سال که شد میگذشت خانه خراب  
همه آنست که انصاف در این ویران نیست  
زن زارع شده مستغرق گل تا به کمر  
کرده در مزرعه هر روز کمک با شوهر  
زن ارباب نشسته به سر بالش زر  
همه آنست که انصاف در این ویران نیست..."  
( شعر کشاورز )

نمونه شعر ابوتراب جلی:  
این رئیس اداره کار است  
خانمش قوم خویش تیمسار است  
پدرش بوده منعم الدیوان  
مادرش دختر غضنفر خان  
دختر او زن بهادر جنگ  
پسرش مدتی است رفته فرنگ  
دائی او مدیر کل باشد  
چونکه هست او جناب عالیشان  
تو ، به او "او" مگو بگو "ایشان"  
الغرض این نژاد کیکاوس  
میکند چون به پشت میز جلوس



چشم پوشد ز حال و آینه  
نیست دیگر خدای رابنده  
چون فشاری دهد به دکمه زنگ  
پرد از روی پیشخدمت رنگ  
میزند وقتی از اداره به چاک  
شوفرش واکند در کا دیلاک  
این جناب اجل عالیقدر  
که نفهمیده هیچ معنی درد  
این وجود شریف با مقدار  
که ندانسته کار و ارزش کار  
از دماغش نرفته قطره خون  
دستش از دستکش نرفته برون  
فقر و ذلت در انتظارش نیست  
خبر از دست پینه دارش نیست...  
با چنین حال و با چنین کردار  
هست عنوان او ریاست کار

از شعر ریاست کار. چلنگر، سال اول شماره 5

شعر از افراشته، سنگسری

اولاً بر مردمان ضد استعمار رحمت  
آنکه برهم زد بساط نقشه دربار رحمت  
دست جمع بر کارگرها یکزبان یکبار رحمت  
آنکه دنیارا بهشتی میکند از کار رحمت  
هم چنین بر بزرگرها در تمام کشور ما  
از خود بحرین تا جلفا ارادت وار رحمت  
بچه های مدرسه را کمپلت از مردواز زن  
خوب هاشان را برادروار و خواهروار رحمت  
پشت بندش کاسبان خرده پا و پیشه ورها  
چرخ دستیکش، طبقکش، مرد دکاندار رحمت  
ای برادر اینکه کلی بود، اما خورده خورده  
بهر هر صنفی جداگانه کنم تکرار رحمت...

از شعر رحمت نامه. چلنگر، سال دوم شماره 42

تن آدمی شریف است، به شرط کار کردن  
نه به این لباس رسمی و براق دور گردن  
تو به قدر کود کاهو نشدی مفید به عمری  
شده ای جناب اشرف به هوای مفت خوردن  
به حقیقت آن طبق کش، زتوبیش داردارزش  
تو واو کدامتان را ، شود آدمی شمردن؟  
به سر اوهمی برد بار و تو بار خلق هستی  
غلط است باربودن ،شرف است بار بردن  
نه کمانچه میتوانی بزنی ،نه شخم ،پس چه  
به کدام دلخوشی بایدت احترام کردن

باقیدارد